النار به وهذا من اعظم التسخيرات لما فيه من الجمع بين ما من النار مع الماء مع

نار به و این از بزرگ ترین تسخیرات است برای آنچه در او از جمع است میان آنچه از نار است با آب با وجود

تضاد طبايعهما ولذلك نبه سبحانه تعالى بقوله ومن الشياطين من يغوصون

متضاد بودن طبایع آن هر دو و برای آن تنبیه فرمود سبحانه و تعالی بقول خود و از شیاطین اند کسانیکه غواصی میکنند

له ويعملون عملا دون ذلك فاخبر تعالى ان كل ما كانوا يعملون له دون غوصهم

برای او و عمل میکنند عملیکه کم از آن است پس خبر داد او تعالی که بدرستیکه هر چیزیکه بودند عمل میکردند برای او کمتر از غواصی ایشان

لما ذكرت من صعوبة الجمع بين الاضداد وسخرت له الارض يتبوأ منها حيث

برای آنچه ذکر کرده شد از صعوبت جمع میان اضداد و مسخر بود برای او زمین در انحالیکه جا میگرفت از آن هر جا که

يشاء واما تسخير الحق له العالم العلوي فواضح ايضا عند المتبصر فان كل

میخواست و هر گاهیکه باشد مسخر گردانیدن حق برای او عالم علوی پس واضح است هم نزدیک بینایان زیرا که بدرستیکه

ما تيسر له عليه السلام في هذا العالم فانه من آثار تسخير الله له ذلك العالم

هر چیزیکه میسر میشد او را علیه السلام درین عالم پس بدرستیکه آن از آثار مسخر گردانیدن خدا است برای او آن عالم را

وتعليمه اياه اسباب التصريفات فافهم لما كانت بلقيس خالصة له اي لسليمان

و از تعلیم او است او را اسباب تصرفات را پس فهم کن هر گاهیکه بود بلقیس خالص برای او یعنی برای سلیمان

عليه السلام بالانقياد اليه والايمان به من حيث لا تشعر هي بذلك اي

علیه السلام با نقیاد بسوی او و ایمان باو از حیثیکه شعور نمیداشت بلقیس آن ای

بكونها له وذلك لمناسبة فطرية ومجانسة ذاتية وتوفيق الهي فالقي بها

بودن بلقیس برای سلیمان و آن شدن برای مناسبت فطریه و مجانست ذاتیه و توفیق الهی بود که افکند بلقیس مر قوم خود را

ظاهرة بالقوة اي بقوة الهمة والتصرف بها فيهم لينقادوا اليه في حق كتاب ذلك

در انحالیکه اعتماد کننده بود بقوة ای بقوت همت و تصرف بآن در ایشان تا منقاد شوند ایشان بسوی آن در حق قول

سليمان

سليمان حين القاء الهدهد اليها واراتهم اياه انه كتاب كريم حيث قالت

سلیمان در وقتیکه القا کرد آن کتاب را هدهد بسوی بلقیس و نظر ایشان در آورد بلقیس آن کتاب را آن کتاب بزرگ است جائیکه گفت

اني القي الي كتاب كريم اي مكرم عليها معظم عندها انه كتاب اي

که بدرستیکه من القا کرده شده بسوی من کتاب کریم ای مکرم بر بلقیس معظم نزدیک آن بدرستیکه آن ای

هذا الكتاب الكريم من سليمان هذا بيان لمرسل الكتاب او اشارة الى

این کتاب بزرگ از سلیمان است اینست بیان مر فرستنده کتاب را یا اشاره است بسوی

عنوانه وانه اي مضمونه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا

عنوان آن کتاب ای مضمون کتاب شروع میکنم بنام خدای رحمن رحیم آنکه برتری نجویید

علي واتوني مسلمين فتكريم بلقيس وتعظيمها لكتاب سليمان كان

بر من و بیایید نزد من در انحالیکه مسلمان باشید پس تکریم بلقیس و تعظیم او مر کتاب سلیمان را بود

لعناية ازلية ومناسبة جبلية لا كما قال بعض اهل الظاهر من المفسرين

محض برای عنایت ازلیه و مناسبت جبلیه نه چنانکه گفته اند بعض اهل ظاهر از مفسران

من ان السبب فيه تقديم سليمان اسمه على اسم الله فانه انما قدم اسمه

از آنکه بدرستیکه سبب در آن تکریم مقدم آوردن سلیمان بود نام خود را بر نام خدای پس بدرستیکه او جز این نیست که مقدم گردانید نام خود

على اسم الله وقاية له ان يقع عليه الخرق وانه ان وقع الخرق يكون على

بر نام خدای بر آن وقایه بودن مر آن کتاب را از آنکه واقع شود برای خرق بدرستیکه اگر واقع شود خرق باشد آن خرق بر

اسمه لا على اسم الله وان اسمه لكمال مهابته في قلوب البرية مانع

نام او نه بر نام خدای و بدرستیکه نام سلیمان از برای کمال مهابت او در دلهای خلایق مانع بود

لهم عن الخرق اما اولا فلان قوله من سليمان ليس من مضمون الكتاب

مر ایشان را از خرق اما اولا پس برای آنکه بدرستیکه قول او از سلیمان است نیست از مضمون کتاب

Copyright © King Saud University